

سوره ذیح ۱

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



سوره ذیح (۱) - حضرت بهاء الله - اقتدارات و چند لوح

دیگر، صفحه ۳۲۳ - ۳۲۸

سوره ذیح از یمین عرش نازل

ای ذیح در اکثری از الواح الهیه از قلم امریه نازل جمیع احبای الهی را وصیت فرمودیم که ذیل مقدّسرا بطین اعمال ممنوعه و غبار اخلاق مردوده نیالایند و همچنین وصیت فرمودیم که بما نزل فی الالواح ناظر باشند اگر وصایای الهیه را که از مشرق قلم رحمانی اشراق فرمود بگوش جان میشنیدند و باصغای آن فائز میگشتند حال اکثر من فی الامکانرا بخلت هدایت مزین مشاهده مینمودید و لکن قضی ما قضی حال کرّه آخری در این ورقه بیضا لسان قدم در این سخن اعظم میفرماید، ای احبای حقّ از مفاز ضیق نفس و هوی بفضاهای مقدّسه احدیه بشتابید و در حدیقه تقدیس و تنزیه مأوی گیرید تا از نفعات اعمالیه کلّ بریه بشاطی عزّ احدیه توجه نمایند ابداً در امور دنیا و ما یتعلّق بها و رؤسای ظاهره آن تکلم جایز نه حقّ جلّ و عزّ مملکت ظاهره را بملوک عنایت فرموده بر احدی جایز نه که ارتکاب نماید امری را که مخالف رأی رؤسای مملکت باشد و آنچه از برای خود خواسته مدائن قلوب عباد بوده

احبای حقّ الیوم بمنزله مفاتیحند انشاء الله باید کلّ بقوّت اسم اعظم آن ابواب را بگشایند اینست نصرت حقّ که در جمیع زبر و الواح از قلم فائق الأصباح جاری شده و همچنین با ناس بمدارا حرکت نمایند و رفتار کنند و بکمال تقدیس و تنزیه و صدق و انصاف ظاهر شوند بشأنیکه جمیع ناس آن نفوس را امناء الله فی العباد شمرند حال مشاهده کن در چه سمائی طیر اوامر حقّ در طیرانست و در چه مقامی آن



ORIGINAL



AUDIO

نفوس ضعیفه ساکن طوبی للذین طاروا بأجنحة الإیقان فی الهوآء الذی جرى من قلم ربک الرحمن ای ذبیح نظر باعمال حق کن و قل تعالی تعالی قدرته التی أحاطت العالمین و تعالی تعالی انقطاعه الذی علا علی الخلائق أجمعین تعالی تعالی مظلومیته التی احترقت بها أفئدة المقربین مع آنکه ببلاى لا یحصی در دست اعدا مبتلا جمیع رؤسای ارض را واحداً بعد واحد تبلیغ نمودیم آنچه را که ارادة الله بآن تعلق یافته بود لتعلم الأمم أنّ البلاء لا یمنع قلم القدم إنّه یتحرک بإذن الله مصور الرّمم حال مع این شغل اعظم لایق آنست که احبّاء کمر خدمت محکم کنند و بنصرت امرالله توجه نمایند نه آنکه بارتکاب امور شنیعه مشغول شوند اگر قدری در افعال و اعمال ظاهره حق مشاهده نمائی تحرّ بوجهک علی التراب و تقول یا ربّ الأرباب أشهد أنّک أنت مولی الوجود و مرّی الغیب و الشهود و أشهد أنّ قدرتک أحاطت الکائنات لا تخوّفک جنود من علی الأرض و لا تمنعک سطوة من علیها و أشهد أنّک ما أردت إلاّ حیوة العالم و اتّحاد أهله و نجاة من فیهِ حال قدری تفکر نمائید که دوستان حقّ در چه مقام باید حرکت نمایند و در چه هواء طیران کنند اسئل الله ربک الرحمن فی کلّ الأحيان أن یوفّقهم علی ما أراد إنّه هو المقتدر العزیز العلام ای ذبیح ضرّ این مظلوم از سجن و تراج و اسیری و شهادت و ذلّت ظاهره نبوده و نیست بلکه ضرّ اعمالیست که احبّای حق بآن عاملند و آترا نسبت بحق میدهند هذا ضرّی و نفسه المهیمنة علی العالمین و ضرّ أكبر آنکه هر یوم یکی از اهل بیان مدّعی امری شده بعضی متمسک بغصنی از اغصان و بعضی مستقلاً گفته اند آنچه گفته اند و عاملند آنچه عاملند ای ذبیح لسان عظمت میفرماید و نفسی الحق قد انتهت الظهورات الی هذا الظهور الأعظم و من یدّعی بعده إنّه کذاب مفتر نسئل الله أن یوفّقه علی الرجوع إن تاب إنّه هو التوّاب و إن أصرّ علی ما قال یبعث علیه من لا یرحمه إنّه هو المقتدر القدير مشاهده کن که اهل بیان آنقدر ادراک نمودند که مظهر قبلم و مبشر جمالم آنچه فرموده ناظرأ الی الظهور و قیامه علی الأمر فرموده و الا و نفسه الحق بکلمه ای از آنچه فرموده تکلم نمینمودند این جهال امر غنی متعالرا لعب أطفال دانسته اند هر روز بخیالی حرکت مینمایند و در مفازه ای سائرند لو کان الأمر کما یقولون کیف یستقرّ أمر ربک علی عرش السکون تفکر و کن من المتفرّسین تفکر و کن من المتوسمین تفکر و کن من الراسخین تفکر و کن من المطمئنّین علی شأن لو یدّعی کلّ البشر بکلّ ما یمکن أو فوجه لا تتوجه إلیهم و تدعهم ورائک مقبلا الی قبلة العالمین لعمری أنّ الأمر عظیم عظیم و الیوم عظیم عظیم طوبی لمن نبذ الوری ورائه متوجّها الی الوجه الذی بنوره أشرقت السّموات و الأرضون ای ذبیح بصر حدید باید و قلب محکم و رجل نحاس شاید تا بوساوس جنود نفسیه نلغزد اینست حکم محکم که بإرادة مالک قدم از قلم اسم اعظم جاری و نازل شده احفظه کما تحفظ عینک و کن من الشاکرین در لیلی و ایّام بخدمت حق مشغول باش و از دونش منقطع لعمری ما تربیه الیوم سیفنی و تجد نفسک فی أعلى المقام لو تكون مستقیما علی أمر مولیک إنّ إلیه منقلبک و مثویک